

دابق؛ چشم انداز راهبردی داعش

دابق؛ چشم انداز راهبردی داعش

شماره اول مجله فرقه داعش، در تاریخ 14 تیرماه سال 1393، 5 جولای 2014 و يك ماه بعد از سقوط موصل، توسط این گروه و با نام "دابق" به چاپ رسید. این مجله، تفسیر گر بنیان های دینی و عملی تشکیل داعش بوده، و با مطالعه آن می توان به چرایی تشکیل دولت اسلامی و ضرورت های آن، از نگاه بنیان گذاران این گروه، پی برد.

شماره اول مجله فرقه داعش، در تاریخ 14 تیرماه سال 1393، 5 جولای 2014 و يك ماه بعد از سقوط موصل، توسط این گروه و با نام "دابق" به چاپ رسید. این مجله، تفسیر گر بنیان های دینی و عملی تشکیل داعش بوده، و با مطالعه آن می توان به چرایی تشکیل دولت اسلامی و ضرورت های آن، از نگاه بنیان گذاران این گروه، پی برد. نویسندگان این مجله، که به نوعی رهبران فکری این جریان محسوب می شوند، با تکیه به موارد مختلف تاریخی و فقهی چرایی تشکیل این گروه و عملیات ها و فعالیت های آن را توضیح، تفسیر، و توجیه می نمایند. نویسندگان مجله، با استفاده از تکنیک های روز صفحه آرایی، مجله ای کاملاً حرفه ای تولید کرده و در آن اهداف و بلند پروازی های خود را تبیین و تشریح می کنند. تا کنون چهار سری از مجله "دابق" به چاپ رسیده است؛ که با دقت در محتوای آن و تحلیل مناسب، می توان به شناخت دقیقی از این جریان و چگونگی مقابله با آن، دست یافت.

با تحلیل محتوای چهار شماره از این مجله، نکات زیر قابل احصاء می باشد:

1. مهمترین مطلبی که در ابتدا توجه هر خواننده ای را به خود جلب می کند، نام مجله می باشد. "دابق"، نام شهر کوچکی در شمال حلب، در سوریه است، که مطابق حدیث معروفی جنگ آخر الزمان در آن اتفاق خواهد افتاد، و مسلمانان بر رومیان (و به طور کلی غرب) پیروز خواهند شد. بنا به گزارش های رسیده، این شهر در سوریه، در اوایل ماه اوت سال 2014 به تصرف داعش درآمده است. البته این محل دارای اهمیت تاریخی موازی دیگری نیز می باشد؛ چنانکه در سال 1516 میلادی، جنگی بین عثمانی و مملوکان رخ داده است، که در نهایت با پیروزی عثمانی و تحکیم خلافت، به پایان می رسد. همچنین، در هر دو جلد اول و دوم مجله، سخنانی از ابومصعب الزرقاوی، رئیس پیشین القاعده در عراق، بیان شده مبنی بر این که این جرقه جنگ، امروز در عراق زده شده و تا نابودی ارتش صلیبی در "دابق" ادامه خواهد داشت. تکرار این سخنان در هر دو جلد، بیانگر به رخ کشیدن استقلال این گروه از القاعده ای می باشد؛ که رهبران آن به کرات مشروعیت دولت اسلامی شام و عراق، را به چالش کشیده اند. شاید در ابتدا موضوع نبرد در "دابق" به عنوان نقطه مشترک ایدئولوژیک القاعده با داعش تفسیر شود، با این حال، هر کدام از این گروه ها، رویکرد استراتژیک متفاوتی نسبت به آن دارند. راهبرد استراتژیک فعلی القاعده این است که بجای جنگ همه جانبه با کفار، تمرکز خود را بر روی اجرای حملات تروریستی تماشایی و پر سر و صدا قرار دهد. القاعده، در ابتدا به توجیح مفاهیم ایدئولوژیک خود پرداخته، و سپس به نیروهای غربی و دولت های به زعم خود مرتد، حمله می نماید. سپس با راه انداختن يك جنگ فرسایشی طولانی مدت و چریکی، به مبارزه با دولت

محلی می پردازد. این امر، آن چیزی است، که هم اکنون در یمن، سومالی و صحرای سینا در حال وقوع است. سپس، و بعد از شکست یا ضعیف نمودن حاکمیت دولت در مناطق تحت تصرف، القاعده شروع به راه اندازی نهادهایی در مناطق تحت اشغال خود کرده، و آن را جایگزین دولت موجود می نماید. در مرحله بعد، خلافت برقرار خواهد شد؛ که مقدمه و گامی خواهد بود در راستای جنگ آخر الزمانی در "دابق" و پیکار با کافران. در حالی که نبرد در "دابق"، مرحله پایانی حرکت جهادی القاعده می باشد، گروه داعش خود را به آن نزدیک تر می بیند. داعش، ایجاد قلمرو و کنترل حاکمیتی را پیش نیاز، و قبل از اقتدار مذهبی می داند. "دابق" توضیح می دهد که چگونه داعش این سلسله مراتب را نفی کرده و چه مراحل جایگزینی را برای ایجاد خلافت خود تدارک دیده است. روایتی که داعش از جنگ آخر الزمانی می دهد، در مقایسه با روایت القاعده از آن، محتمل تر و قریب الوقوع تر بوده و این جریان از هم اکنون در حال آماده سازی برای آن نبرد می باشد. عده ای از رهبران داعش نیز معتقدند؛ جنگی که از چندین ماه پیش، در کوبانی (مجاور شهر "دابق") در حال رخ دادن است؛ در راستای همین جنگ آخر الزمانی است، که در نهایت 80 کشور جهان علیه داعش متحد شده و در پایان شکست می خورند. چشم اندازی که داعش از داستان جنگ آخر الزمان تصویر می کند، در شماره دوم مجله با عنوان "طوفان" نیز منعکس شده است. خلافت داعش، در این روایت، کشتی نوحی است که هر کس بر آن سوار باشد؛ نجات یافته، و دیگران در این طوفان غرق خواهند شد. از نکات قابل توجه دیگر این مسئله، سوء استفاده از مضامین آخر الزمانی در توجیه مشروعیت حکومت داعش، می باشد. اینان، خود را سربازان وعده داده شده در احادیثی می بینند، که وظیفه نجات جامعه بشری از بی عدالتی و ظلم را دارند. نبرد در سرزمین شامات و شکست سپاه سفیانی، از اتفاقاتی است که برای حضرت مهدی (عج) بیان شده است، و این گروه این مسئله را به نفع خود مصادره می نماید. در شماره چهارم مجله، صراحتاً ابوحزمه مهاجر و ابوبکر البغدادی، خود را یاران و یاوران مهدی موعود (عج) نامیده اند.

2. شماره اول این مجله به زبان های انگلیسی و سایر زبان های اروپایی نوشته شده، و توضیح گر مفاهیم ابتدایی اسلامی می باشد؛ بنابراین مجله در کنار ارتباط گیری با شرکای عرب، نظری به دوستان بالقوه در جهان غرب نیز دارد. بنابراین همان طور که از فعالیت چشمگیری در شبکه های اجتماعی برداشت می شود؛ این جریان به شدت به دنبال جذب نیرو از کشورهای غربی است. در این بین مهاجرین مسلمان نسل دوم و یا اول که با مشکلات عدیده ای در کشور میزبان مانند نژاد پرستی شهروندان غربی، عدم تشکیل زندگی و کار موفق، عدم پذیرش و تضاد با فرهنگ غربی، تبعیض و تحقیر مواجه اند، از پتانسیل بالقوه ای جهت جذب به این فرقه، برخوردارند. این افراد، می توانند به عنوان نیروی سرخود، بدون فرماندهی متمرکز و با پرچم داعش، دست به اقدامات تروریستی در کشورهای غربی بزنند. عملیات مسلحانه ای که یکی از همین افراد برگشتی از سوریه چند ماه پیش در برابر موزه یهودی ها در فرانسه انجام داد، و یا حادثه گروگانگیری اخیر در استرالیا از جمله این موارد محسوب می شود. این سری فعالیت ها، اصطلاحاً به عملیات "گرگ تنها" مشهور است. این شیوه شامل یافتن «گرگ های تنها» (افراد دارای تمایلات افراط گرایانه، اما تنها و سازمان نیافته) و استفاده از آن ها برای انجام اقدامات تروریستی در کشورهایی چون کانادا، فرانسه، آمریکا و استرالیا است. العدنانی، از رهبران داعش مدتی پیش در این زمینه گفته بود: «اگر شما می توانید یک آمریکایی، اروپایی، استرالیایی یا کانادایی کافر و یا هر کافر دیگری از کشورهایی که دست به جنگ زده اند را بکشید -از جمله کشورهایی که علیه «دولت اسلامی» وارد ائتلاف شده اند- پس به خدا توکل کنید و به هر شکل و شیوه ای که ممکن است او را بکشید». وی می افزاید: «منتظر توصیه یا

فتوای هیچ کسی نباشید. کافر را چه غیر نظامی باشد و چه نظامی بکشید؛ زیرا هر دوی آن ها یکسان هستند. هر دو کافر هستند.» به موازات توسعه عملیات نیروهای ائتلاف ضد داعش در عراق و سوریه، تروریست ها فعالیت خود را در رسانه های اجتماعی نیز افزایش داده اند و مخاطب خود را مسلمانان ساکن غرب قرار داده اند. پیام آن ها به این مخاطبان به گونه ای نیز تغییر کرده است. پیشتر، آن ها با پیام «بیایید و به جنگ بپیوندید» با مخاطبان خود ارتباط برقرار می کردند؛ اما اکنون آن ها می گویند: «به ما حمله شده، اما شما بی تفاوت نشسته اید». به عبارت دیگر، آن ها سعی دارند در هواداران خود، نوعی احساس شرم به وجود آورده و آن ها را به انجام اقداماتی در کشورهای محل سکونت خود وا دارند.

3. عمده مطالب شماره سوم مجله "دابق"، به مسئله هجرت اختصاص یافته است. این تاکید چند باره در شماره های "دابق" نشانه های چندی در بر دارد. يك، موکول و توجیه نمودن سفر به سرزمین های تحت تصرف داعش با انگیزه های مذهبی. در این چارچوب و با تحلیل محتوای مقالات هجرت؛ نوعی اجبار جهت این امر دیده می شود. در این روایت، مسلمان واقعی کسی است که سرزمین و محل سکونت خود را ترک کرده، و به یاری دین خدا می آید. اینان، هم ردیف مهاجران مکه پنداشته می شوند. مطلب دوم اینکه، این اصرار به هجرت، نشانگر نیاز مبرم داعش به متخصصان رشته های مختلف از فنون جنگاوری گرفته، تا مهندسی، پزشکی، کشاورزی و... می باشد. به عبارت دقیق تر، داعش عزم خود را برای ایجاد يك دولت واقعی با عملکردها و ساختارهای مدرن جزم کرده و در این راه از هر کوششی نیز دریغ نمی نماید. از سویی در تبلیغات این گروه، تصاویری از يك خانه و ماشین مجلل دیده می شود، و از جهت دیگر، متخصصان را جهت یاری دولت اسلامی دعوت به سفر مذهبی (هجرت) می نماید. شاید بتوان اینگونه تصور کرد که، داعش به هر قیمتی خواستار تکمیل کادرهای تخصصی خود، با هر ابزاری، می باشد. نویسندگان در جای جای مجله به سراغ انگیزه های عدم هجرت رفته، و بدانها پاسخ می دهند. در جایی مسئله مالی مطرح شده که، غارت؛ توجیه مذهبی (فیء=تاراج کردن بدون جنگیدن) می شود؛ که در آن فرد می تواند از بندگی دیگران فرار کرده، بدون دغدغه معاش به عبادت! بپردازد. در جایی دیگر، مسئله ترس ذهنی از هجرت بیان می شود؛ و با این مطلب ضمنی که دولت اسلامی حامی آنان است؛ سعی در حذف این امر دارد. در يك نگاه اجمالی، در این شماره دابق، هجرت، برابر شفای قلوب مومنین، اطاعت امر خداوند، از بین رفتن اندوه، ترك نفاق به سوي صداقت و درستی، برابر آمرزش، برابر شیوه ابراهیمی، و در مقابل ترك جهاد و هجرت که قرین یکدیگرند، بدترین گناه عصر جدید، برابر نفاق، داشتن ریا و... دانسته شده است.

4. در شماره دوم مجله، "دابق" افرادی را مخاطب قرار می دهد که امکان هجرت به دارالاسلام را نداشته، و از آنها می خواهد اقداماتی در جهت تسهیل این موضوع بردارند. این کار می تواند با بیعت محلی، یا اعلام وفاداری در مساجد و موسسات مذهبی صورت گیرد. داعش، به پیروان خود می گوید تا جایی که ممکن است، این اعلام وفاداری را از طریق اینترنت و سایر رسانه ها اطلاع رسانی کنند و هدف این کار را نیز ارباب کفار، می داند. داعش، استدلال می کند این بیعت آنقدر بایستی عام شود که عمل کسانی که عقب نشسته و بیعت نکرده اند غیر طبیعی جلوه داده شود. این عمل، باعث می شود که گروه های دیگر اسلامی تعصب را رها کرده و اعلام بیعت کنند. این رویکرد نشان می دهد که برای داعش توسعه در جوامع غیر عربی بخشی از استراتژی طولانی مدت آن جهت ثبات و مشروعیت یابی می باشد. این درخواست هجرت از مسلمانان، نشان دهنده "سیاست خارجی خلافت محور" داعش، نیز می باشد.

5. مجله "دابق" با مجله القاعده که در سال 2010 منتشر شد، تفاوت عمده ای دارد. در مجله

القاعده تمرکز بیشتر بر روی الهام بخشی به تروریست ها جهت حملات تروریستی می باشد، تا نسبت به مجله "دابق" که در پی توضیح، تفسیر و توجیه مفاهیم دینی بوده و در پی ارائه يك چشم انداز سیاسی می باشد. "دابق" در پی شالوده افکنی يك نظم مذهبی خودخوانده تحت عنوان خلافت بوده و سعی در جذب نیروی متخصص خود، تحت عنوان مذهبی "هجرت" دارد. اهمیت این مساله بسیار شایان توجه است. داعش، تجربه راه رفته القاعده را در ذهن داشته و می داند که تحکیم و تثبیت آن منوط به داشتن طرفدارانی مصمم است. افرادی که از سویی جهت برآوردن نیازهای تخصصی در شکل دولت، حاضر به مهاجرت به دولت اسلامی هستند؛ و از سویی دیگر حاضر به انتحار شخصی برای آرمان های داعش نیز می باشد. "دابق" با ارائه استدلالات مذهبی در تشکیل حکومت، هدف دیگری نیز دارد. معرفی خود به عنوان يك دولت قوی و با بنیان های نظری که حداقل می تواند بواسطه آن از اتهام تروریستی بودن اندکی، فاصله بگیرد. شاید بدین وسیله بتواند حداقل اذهان و افکار جامعه اهل تسنن و حمایت قبایل عرب عراق و سوریه را بدست آورده، و حفظ کند. آوردن توجیهات مذهبی در مجله نشانه های دیگری نیز در خود، دارد. "دابق" در پی ارائه توجیهات دینی قوی تر از رقبا می باشد، تا بدین وسیله جمعی از علما را با خود همراه نموده و علاوه بر حمایت معنوی آن ها، بتواند راحت تر به جذب نیرو پرداخته و حریفان را نیز بدین وسیله از صحنه خارج کند. رقبایی که در صحنه میدانی در سوریه، مشکلات عدیده ای با آنها در تصرف سرزمین دارد.

6. در این مجله، صفحات اول با تصاویر زرق و برق داری از ابومحمد عدنانی، سخنگوی دولت و ابوبکر البغدادی و سخنرانی های آنها در باب خلافت شروع می شود. هر دو نفر در باب جهانی بودن امر خلافت صحبت نموده اند. البغدادی از واجب عینی بودن هجرت مهندسان، فقها، پزشکان و... و به عبارتی افراد غیر نظامی سخن به میان آورده است. در واقع، داعش در جهت تشکیل دولتی عمل گرا بوسیله نخبگان حرکت می کند. به خوانندگان مجله گفته می شود که پدر، مادر، همسر و فرزندان خود را بیاورید و این، بدان معنی است که این گروه واقعا به دنبال پر و بال دادن به قلمرو خود جهت ایجاد کنترلی پایدار بر مرزهاست. با ایجاد حامیان قوی در محدوده تحت حکومت و بوسیله گسترش اقدامات نظامی و حکومتی، داعش خواهد توانست ثبات حکومتی خود را افزایش دهد. در این مجله، نویسندگان با تفاسیر مشخصی از مذهب، اقتدار خود را مشروعیت بخشیده، مواضع خود علیه مخالفان را تبیین نموده و نشان می دهند که داعش يك دولت در سایه نیست، بلکه دولتی با سازوکاری تقریبا مدرن است؛ که نقطه قوت آن فقط در حملات نظامی خلاصه نمی شود. نکته مهمی که در جای جای مجله به چشم می خورد؛ ادعاهای داعش بر بازیگر دولتی بودن، توانایی حاکمیت داشتن و تجدید نظر جهانی است. در گزارشی که اخیرا موسسه مطالعات جنگ (ISW) منتشر نموده به این نکته نیز اشاره شده که داعش، در رقه وظایف سیاسی و مذهبی را توأمان به عهده گرفته است. یعنی این گروه علاوه بر مدیریت دادگاه های شرعی و مدارس مذهبی، ایجاد کارهای زیر بنایی را نیز در دستور کار خود قرار داده است. این امر در تصاویر مجله مشهود می باشد.

7. با دقت در مقاله های نگاشته شده در مجله نیز، به نکات جالبی دست می یابیم. طبق مقاله "مفهوم امامت، به معنای روش ابراهیمی است"، زعامت دینی و سیاسی هر دو بایستی در يك نفر جلوه گر باشد؛ و آن فرد امام امت است. فردی که بنا به فرموده پیامبر اکرم (ص) قیام علیه او جایز نیست و بایستی عادل، خوش رفتار و صاحب توانایی اعمال قدرت، باشد. بنا براین رویه، این گروه تا بدین جا اسلام سیاسی را پذیرفته، و سکولاریسم را نفی می کند. از نظر اینان، اصولا امامت به معنای زعامت توأمان سیاسی و مذهبی است، و در اثبات این امر آیات 124 سوره بقره را شاهد مثال می آورند. در این بین، نکته جالب این است که اصولا

سلفی ها با تفسیر مخالف بوده و برداشت های تحت اللفظی قرآن را معیار عمل قرار می دهند؛ اما در اینجا اقدام به تفسیر رای نموده و بر اساس آن حکم صادر می کنند. تناقض دیگر این که، اینان امام را در جایی فقط مسوول سیاست می دانند؛ با این حال در جایی دیگر تنها وظیفه رهبر را اجرای احکام الهی و مذهبی بر می شمردند. در مقدمه این مقاله نیز به نوعی از تلاش های مجاهدین قدیمی به خاطر احیاء مفهوم "امت" در قلوب جوانان تقدیر می شود؛ اما در ادامه از آنان انتقاد کرده و آن ها متهم می شوند که این مفهوم را تکه تکه و پاره پاره نموده اند. این انتقاد گرچه به صراحت بیان نشده اما بیشتر به مجاهدین القاعده، برمی گردد. در مقاله دیگری دلیل امامت و رهبری حضرت ابراهیم(ع)، اجرای کامل احکام و دستورات الهی تفسیر می شود، و از آن جایی که دولت اسلامی شام و عراق نیز به دنبال شیوه ابراهیمی است، مشروعیت الهی داشته و حاکمش امام مسلمین است و واجب الطاعه. این شایستگی نیز به سهولت بدست نیامده بلکه حاصل انجام هجرت و جهاد در راه خداست؛ گرچه این سلطه با تغلب و زور بدست آمده است. در ادامه، مفسران معتقدند عملاً بعد از تشکیل حکومت اسلامی، هیچ کس حتی امیر المومنین و حاکم دولت اسلامی نیز حق لغو حکومت و یا اعاده آن به حالت قبل را نداشته، و هر کس از آن روی برگرداند، از قسمت اعظمی از اسلام خارج شده است. به عبارتی، حکومت بعد از تشکیل، برگشت ناپذیر بوده و هر کس برگردد چون از قسمت اعظمی از اسلام خارج شده به نوعی از دین برگشته و مرتد محسوب می شود. در ادامه، نیز به حدیثی از پیامبر اکرم(ص) استناد می شود، که در آن حضرتش از رنج و مصایب دوران آخر الزمان سخن گفته و راه نجات را در تاسی به امام می داند. امامی که هر کس مشروعیتش را محکوم نماید محکوم به نیستی و فناست؛ و البته در اینجا يك استثنا در سلب مشروعیت امام جامعه آورده اند؛ و آن تخطی از اجرای احکام الهی است. با این حال نویسندگان "دابق" هیچ اشاره ای به این مسئله ننموده اند که مرجع تشخیص این امر چه نهاد یا فردی می باشد.

8. در قسمتی از این مجله، حدیثی از پیامبر اکرم(ص) آورده شده است که در آن رسول مکرم (ص)، مسلمین را به پنج چیز آگاه می کند و آن "جماعت، سمع، طاعه، هجرت و جهاد فی سبیل الله" است. طبق این حدیث، تا اندازه ای می توان به مبانی حکومتی داعش پی برد. پایه اول جماعت است؛ که در آن اگر فرد خلاف سیاست و نظر جمع کاری انجام دهد، به راحتی از دایره اسلام خارج می شود. به عبارت دیگر، چنین شخصی، اگر فرایضی مانند نماز، روزه و سایر فرامین را نیز انجام دهد؛ مرتد شده است. دوم، سمع و طاعه است که هر دو در يك راستا و در چارچوب مورد قبلی تفسیر می گردد. نکته قابل توجه در این بین يك سویه بودن وظایف و مسوولیت های مسلمانان نسبت به حکومت اسلامی است و کمتر سخنی از وظایف حکومت نسبت به اسلام به میان می آید.

9. قسمتی از مقدمه سری دوم مجله، در ارتباط با موضوع غزه است. نویسندگان "دابق" معتقدند که کشورهای عربی در مقابل جنگ غزه تنها به ایراد سخنان ریاکارانه و محکومیت های خشك و خالی بسنده کرده اند، ولی داعش در مقابل هر کافری که مانع رسیدنش به فلسطین می شود خواهد ایستاد و علت عدم عکس العمل فعلی این گروه به مشکل زمان بر می گردد و مسلمین برای دیدن عکس العمل داعش فعلاً بایستی صبر پیشه نمایند. این صحبت ها، بیش از پیش نشان از سیاست تمرکز این گروه در عراق و سوریه داشته، و بیانگر این مسئله است که احتمال درگیری داعش در خارج از مرزهای تحت کنترلش بسیار ضعیف بوده، و بیشتر به دنبال دستاوردهای نظامی و جذب نیرو و پیرو می باشد.

10. هر گروهی که به صورت چریکی به فعالیت های نظامی می پردازد، برای پیشرفت در

قلمروهای تازه به تصرف درآمده و حمایت از جنگجویان نیازمند جذب و اعلام وفاداری گروه های محلی، می باشد. به همین منظور و در راستای حفظ روابط داعش با قبایل محلی، این گروه اقدام به راه اندازی دفتر روابط عمومی خود در شهر حلب نموده، و فردی با عنوان "مسوول امور روابط قبیله ای" پیگیر این امور می باشد. این تقسیم بندی حرفه ای کار، نشان دهنده حضور زیرساخت های سلسله مراتبی جهت تسهیل امور در این رابطه، می باشد. این سلسله مراتب، ممکن است در سایر مراکز تحت حکومت داعش، مانند ایالت های عراق جهت تسلط و کنترل بر قبایل با نفوذ نیز تکرار شود. در شماره اول مجله "دابق" عناوین و عکس های برخی از این قبایل نیز آمده است. این عمل، می تواند باعث تحریک و تطمیع سایر قبایل منطقه ای جهت بیعت شده و کنترل مناطق را راحت تر نماید. نماینده داعش در این نشست ها، به شایعاتی پیرامون عقب نشینی داعش و تنها گذاشتن شهروندان واکنش نشان داده و خشن بودن این گروه را نیز تکذیب کرده است. وی به سران قبایل اطمینان داده که در صورت وفاداری به "دولت اسلامی عراق و شام"، این دولت حقوق مالکیت را رعایت کرده، امنیت را برقرار، و مواد غذایی و کالا را برای شهروندان تامین می کند. نکته حائز اهمیت این است که کلید اصلی موفقیت داعش در جذب وفاداری غیر نظامیان و کنترل بر اراضی تحت قلمرو، همین تامین مایحتاج اولیه مردم و ایجاد نیروهای است که سریعاً به اعمال قانون می پردازند. در شماره اول این مجله، تصاویری از اعدام افرادی مشاهده می شود که، اقدام به سرقت در جاده ها می نمودند. با این حرکات، داعش به طور ضمنی به مردم تحت قلمرو خود این پیام را ارسال می کند که داعش خود را در برابر حفظ امنیت (البته با توجه به مولفه های مورد نظر خود) مردم، مسوول می داند. نماینده امور قبیله ای داعش در مقابل این خدمات، درخواست حمایت از دولت و کمک های نظامی و مالی را مطرح می نماید. در پایان این جلسه نیز، بزرگان قبایل تعهد داده و اعلام بیعت می نمایند. امری که با اتکا بر آن، رهبران گروه می توانند ادعا کند که حمایت قبایل ذی نفوذ در عراق و سوریه را بدست آورده اند.

11. در بحث خلافت، نویسندگان "دابق" موضوع خلافت را مسبوق به سابقه، و شواهد تاریخی می دانند. این تمایز مسئله مهمی در مشروعیت یابی تاریخی و موجه نمودن قدرت امروز داعش دارد. به عبارت دقیق تر این سلسله مراتب تشکیل خلافت، توجیهی مذهبی در برپایی دولت اسلامی است. همچنین در جایی از مجله به این امر اشاره شده که چون خداوند اراده کرده است این دولت برقرار باشد، بنابراین مشروعیت داشته و هر کس مقاومت کند، گردنش شکسته خواهد شد. بنابراین، در این فلسفه، عمل مقدم بر قدرت، می باشد. پیروزی های نظامی به دلیل خلیفه بودن بغدادی بوجود نیامده است؛ بلکه پیروزی های نظامی عامل خلیفه شدن البغدادی و بنابراین تایید کننده الهی بودن خلافت وی، می باشد. این دریافتی کلیدی از این امر می باشد. بدین معنا، چنانچه سیاست گذاران نظامی و سیاسی بتوانند در صحنه عملیاتی وی را شکست دهند، به نوعی پایه های مشروعیت این نوع خلافت از بین خواهد رفت. در این حالت، گروه های رقیب نیز راحت تر می توانند مشروعیت این فرقه را زیر سوال ببرند.

12. یکی از نکات این مجله، معرفی رهبران فکری - عملیاتی داعش می باشد. یکی از اینان زرقاوی است. امثال زرقاوی، به جای رهبران فعلی القاعده، و به عنوان وارثان "ماموریت خلافت"، به شمار می روند و به واسطه آن هاست که خلافت واقعی محقق می شود. زرقاوی، در زمان حضور در افغانستان در کمپی در غرب این کشور (نزدیکی هرات) مشغول تربیت نیرو (بیشتر اردنی) بود، و به نوعی استقلال خود را از بن لادن حفظ کرده بود، به طوری که پایگاه آموزش نظامی بن لادن در شرق این کشور بود. این جدایی بسیار حائز اهمیت می باشد. این

چنین است که زرقاوی و میراث خوران بعدی وی، می توانند ادعای استقلال از القاعده و مأموریت جهانی داشته باشند. زرقاوی پس از این دوره کلیدی در افغانستان، به کردستان عراق رفته و تا سال 2003 عملیات های مخوف رادیکالی و طائفه ای را بر خلاف مشی و نظر بن لادن در عراق، پی می گیرد. زرقاوی در نامه ای که در فوریه 2004 توسط آمریکا کشف شد، منطق جهاد خود در عراق را برای بن لادن شرح داده، و هدف خود از کشتار شیعیان و نیروهای امنیتی را بیدار کردن اهل سنت، قبل از نابودی آنها توسط صابئین (شیعه) می داند. این جدایی فکری و عملی القاعده از داعش امر مهمی به شمار می رود. بنا به ادعاهای مجله، ابوبکر البغدادی، هیچ بیعتی با بن لادن نداشته و بنابراین حق تشکیل دولت جداگانه را داراست. لازم به ذکر است که، القاعده داعش را به بیعت شکنی متهم کرده و بنیاد داعش را از اساس نامشروع، می داند.

13. رهبران داعش در "دابق"، دیگر رهبران جامعه اسلامی را نیز مورد انتقاد خود قرار داده و منحرف می داند. مجله به طور مشخص به اسماعیل هنیه و مرسی، رهبران حماس و اخوان المسلمین، اشاره می نماید، و آنها را متهم می کند که قوانین شریعت را برای دستیابی به قدرت، زیر پا گذاشته و امید واهی در دل مسلمانان ایجاد می نمایند. این امر نشان دهنده این مطلب است که، رهبران فعلی داعش نیز تمایل چندانی به همزیستی مسالمت آمیز با دیگر فرق و حتی با دیگر رهبران سنی مذهب منطقه، ندارند. محکوم نمودن سایر رهبرانی که ادعای اسلام سیاسی را دارند، بدین معناست که این گروه بواسطه توسعه نظامی، بجای تعامل فرهنگی - سیاسی، بدنبال تثبیت نفوذ خود در منطقه می باشد. گروه آخری که در نهایت مورد انتقاد قرار می گیرد، جبهه النصره می باشد که در 7 ژانویه 2014 حملاتی را علیه داعش در منطقه ادلب و حلب سامان داد، و هم اکنون نیز در جبهه های مختلف با این گروه درگیر است. 14. در هر شماره داعش قسمتی با عنوان "دولت اسلامی در کلام دشمن" اختصاص یافته است. ایجاد این قسمت کاملاً هوشمندانه صورت می پذیرد و دلایل چندی بر آن مترتب است. مورد اول، آنکه در این قسمت که بیشتر سخنان مقامات آمریکایی و غربی منتشر می شود به قدرت و شوکت داعش اذعان شده، و دارای این پیام است که ای مسلمین و مخالفان آگاه باشید، که ابرقدرت آمریکا نیز وجود دولت اسلامی را به صورت غیر رسمی به رسمیت شناخته و در برابر آن تسلیم گشته است. اما نکته مهم تر از این پروپاگاندا، استفاده از این امر در توجیه موضوع "خلافت" است. نظریه پردازان داعش، قدرت، شوکت و تمکین، را از لوازم خلافت برمی شمارند؛ [1] و در توجیه بدست آوردن این سه به سخنان دشمنان استناد کرده و مخالفان داخلی را منکوب می نمایند. یکی از قاعده های فقه سیاسی اهل سنت "الحکم لمن غلب" است. اینان معتقدند بنابر این سنت و با توجه به تشکیل این دولت، دیگران بایستی در برابر آن زانو زنند.

15. در مورد داستان قتل جیمز فولی، و انتشار آن در "دابق"، نکات چندی به ذهن متبادر می شود. اول اینکه ابهامات زیادی در مورد کشته شدن فرد مورد نظر در آن تاریخ وجود دارد. چنانکه "بثینه شعبان"، مشاور سیاسی و رسانه ای بشار اسد می گوید: "جیمز فولی" یک سال پیش توسط ارتش آزاد دستگیر، به داعش فروخته، و سپس کشته شده بود. دمشق، اطلاعات کافی در این زمینه دارد و مدارک آن را به سازمان ملل نیز ارائه داده است. همچنین در مورد کشته شدن فرد در آن فیلم، نیز موارد مبهمی وجود دارد. مسائلی مانند ماکتی بودن جسد آخر فیلم، عدم وجود استرس در فرد قبل از کشته شدن، نبریدن چاقو هنگام قتل و پلاستیکی بودن چاقو، و... مسائلی از این دست، صحت این واقعه را زیر سوال می برد. اما جدای از صحت این موضوع، داعش در دلایل این قتل، مواردی مانند دریند بودن مسلمانان در آمریکا، بمباران مناطق

مسلمان نشین، لشکر کشی ارتش آمریکا به سرزمین های اسلامی و... را ذکر نموده است، که در چارچوب همان نمایش معروف معرفی خود به عنوان ناجی مسلمانان و جا زدن دولت اسلامی به عنوان سربازان موعود را دارد. در تصویر ذبح فولی، وی لباس قرمز رنگی در تن دارد که تداعی گر زندانیان گوانتانامو می باشد. در واقع این حرکت، در ادامه سیاست کسب مشروعیت، می باشد.

16. از اتفاقاتی که در این مجله منعکس گردیده، تصویر برداری کاملاً حرفه ای از تخریب قبور و زیارتگاه ها می باشد. این امر مسبوق به سابقه تاریخی بوده و به دوران شکل گیری وهابیت بر می گردد. سابقه این امر را می توان به لحاظ تاریخی در اقدامات مشابه بوسیله رژیم آل سعود براساس فکر وهابی بین سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۲۵ میلادی یافت که طی آن، رژیم مذکور به تخریب قبور اهل بیت و حتی صحابه حضرت محمد (ص) و انهدام مساجد و خانه اولیاء مبادرت نمود. امین الریحانی در کتابش «تاریخ طولانی حدیث و ملحقات آن» (ص: ۲۸ و ۲۹) می نویسد: «یکی از اتفاقات مهمی که در این راستا به وقوع پیوست، دستور قطع درخت «الذیب» در منطقه «الجبله» توسط محمد عبدالوهاب بود که مردم به آن تبرک می جستند. پس از آن بود که پیروان و یاران عبدالوهاب دست به تخریب گنبدها و مقبره های مربوط به اصحاب حضرت پیامبر (ص) گشودند». این امر بزرگترین و مهمترین ضربه ای است که بعد از ریخته شدن خون مسلمین بی گناه به جامعه اسلامی وارد می شود. اصولاً مقابر و ابنیه تاریخی هر ملت و کشور به مثابه نمادهایی شناخته می شود، که هویت جمعی و ذهنیت تاریخی یک ملت را شکل می دهد. این نمادها در طول تاریخ، مردمان یک امت و ملت را یکپارچه کرده و از تفاوت ها می کاهند. با این اقدامات، نسل های بعد ریشه های هویتی خود را از کجا و چگونه باید جستجو کنند؟

17. از نکات تاسف برانگیزی که در این مجله به چشم می خورد، توجیه نمودن سخیف و بی پایه غارت ها، کشتارها و خونریزی ها با نام دین و مذهب می باشد. به عنوان مثال در شماره چهارم مجله غارت اموال مسلمین توجیه شده و بدتر آنکه این امر منسوب به پیامبر (ص) شده، و محبوب ترین ثروت و ناب ترین درآمد، معرفی می گردد. هدف رسالت پیامبر (ص) با این حدیث احتمالاً مجعول که "روزی من در سایه نیزه ام قرار داده شده است"، بسط توحید، در سایه شمشیر است. همچنین در این شماره در توجیه به بردگی گرفتن زنان و دختران ایزدی، ابتدا کفر آن ها توجیه شده و حلیت آن ها ثابت می گردد. و یا در جایی دیگر نویسنده در مقاله ای، به صراحت به این مطلب اشاره می کند که به بردگی گرفتن کافران عین شریعت است و مخالفان آن مرتد به شمار می روند. در سخنانی که از عدنانی، سخنگوی داعش آمده است، نیز به صراحت وعده به بردگی کشیدن صلیبیون آمده است. همچنین، در مقاله "مجازات در مقابل خیانت قبیله شعیات" نیز صحنه دیگری از توجیه مذهبی کشتار مخالفین به دلیل نقض پیمان، دیده می شود. بدون اینکه به دلایل این نقض پیمان اشاره ای گردد، کشتار آنها با دلایل دینی توجیه شده و بدتر آنکه در آن، به داستان مجعولی از پیامبر، که سند دقیقی هم برای آن آورده نشده، اشاره می گردد. نکته مهم این است که این حملات گرچه به اسم داعش و دولت اسلامی صورت می گیرد؛ ولی در هر حال حمله کنندگان، قطعاً از قبایل منطقه می باشند. این امر، بدان معناست که جدا از جنگ های مذهبی، منطقه با این اقدامات دچار جنگ های قبیله ای نیز خواهد شد. شاید بتوان امید داشت که روزی آتش جنگ فرقه ای- مذهبی را کم دامنه نمود، ولی با توجه به وجود روحیات و تعصبات قبیله ای، آتش نزاع همچنان پابرجا خواهد ماند، و باید برای آن فکری دگر کرد. تصاویر خوفناکی که از تخریب و کشتار این قبیله به تصویر درآمده است، در راستای همان سیاست قدیمی پیروزی با ایجاد رعب (النصر بالرعب) و جلوگیری از

خیانت دیگر قبایل می باشد.

18. از مطالب دیگر این مجله، ادعاهای تکراری بر علیه ایران، حزب الله و روسیه می باشد. تحلیل های کاملاً عامیانه که متأسفانه همین افراد عامی، نیز می پذیرند. در مقاله ای که در شماره چهارم مجله به چاپ رسید، ایران با همکاری آمریکا و غرب در حال احیای امپراتوری باستان خود از ماوراءالنهر تا شام و کرانه های مدیترانه، می باشد. دابق با این مطلب به نوعی سعی در بزرگ جلوه دادن تهدید ایران داشته و حتی در جایی به سخنان مقامات آمریکایی (هنری کسینجر) نیز اشاره می نماید. در این مقاله، نویسنده با زیرکی خاصی در ادامه به نکته ای اشاره می کند که در خور تأمل می باشد. آن نکته، همان امکان سازش غرب، با دولت اسلامی عراق و شام می باشد. نویسنده سعی می کند با حفظ همان پرستیژ قدرتمند خود، به آمریکا توصیه نماید که مانند بوش اشتباه جنگ عراق و افغانستان را تکرار نکند. این ایران شیعه است که تهدید منطقه بوده، و نظریه پردازان خود شما نیز به این امر اذعان نموده اند. اگر شما با ما که دولت سنی اسلامی هستیم، قرارداد متارکه جنگ امضا کنید؛ ما نیز به آن وفادار بوده و می توانید بر ایران متمرکز شوید. نکته جالب اینجاست، که در جای دیگر این "قرارداد متارکه جنگ" توجیه مذهبی نیز شده و منتسب به حدیثی می گردد. این درخواست محترمانه سازش و تسلیم، به نوعی نشان ضعف این جریان، علی رغم تمام پروپاگاندا و تبلیغات آن می باشد. سری پایانی این مجله، که با ادعای حمله علیه مسیحیان است، در خود علائم ترس و تسلیم در بر دارد.

نویسندگان مجله "دابق" در این نشریه، به توضیح مفاهیم ایدئولوژیک تشکیل دولت ادعایی خود، سازوکارهای آن، توجیه عملیات های نظامی و افق چشم انداز برنامه های راهبردی خود پرداخته است. به عنوان نتیجه گیری، داعش در این مجله، سعی در تصویر نمودن خود به عنوان یک دولت موفق کارآمد، با سازوکارهای مدرن دارد. دولتی که قادر است رقیبان را شکست داده، نیازهای مردمان تحت سلطه خود را تأمین نماید و در جایی که لازم باشد با قوه قاهره منویات خود را به پیش ببرد. همچنین "دابق" پر از ادعاهای واهی مبارزه با غرب می باشد؛ و علت اصلی نام گذاری مجله نیز بر همین اساس می باشد. این ادعاها، در حالی است که تیری علیه غرب از سلاح های داعش شلیک نشده و در جایی از مجله نیز از سر سازش با دول ائتلاف، نیز سخن به میان آمده است. راهبرد اصلی اینان، همان سیاست پیشروی از طریق ایجاد رعب می باشد و در توجیه آن به خطا به احادیث آخرالزمانی مانند "النصر بالرعب" که در مورد یاران امام زمان (عج) که با تفسیر کاملاً متفاوتی است؛ نیز استناد می کنند. گرچه دابق، سعی در توجیه مذهبی حرکت شوم خود دارد، با این حال بر هیچ کسی پوشیده نیست که اهداف سیاسی و قومیتی ناشی از زیاده خواهی در آن نهفته است. امری که بایستی با درایت سیاستمداران و ناکام گذاشتن آنان در صحنه عملیات نظامی و سیاسی مرتفع گردد. (تکمیلی) تاکنون شش شماره از این نشریه به صورت پی دی اف چاپ شده است که تصاویر آنها را می توانید در زیر ببینید.

[1]. (ولا شك أن الخلافة تحتاج إلى شيء من القوة والشوكة والتمكين، وهذا حاصل في الدولة الإسلامية بشهادة العدو قبل الصديق)

* کارشناس روابط بین الملل